

فرمانده معظم کل قوا: «مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوانهای نورس ما در بسیاری از بخشها انجام می‌دادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است.» (۱۳۸۸/۶/۲۴)

## مقاله پژوهشی: تبیین فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

حسین اصلی‌پور<sup>۱</sup>، علی میرهاشمی<sup>۲</sup> و هادی نهادی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۶

### چکیده

دفاع مقدس مانند عموم عرصه‌های حاکمیتی جامعه، آکنده از تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران، بازیگران و گروه‌های ذینفع در سطح کلان کشور بوده است. کانون توجه پژوهش‌های مدیریتی دفاع مقدس تاکنون اغلب چگونگی مدیریت و تصمیم‌گیری در سطح عملیات‌های نظامی بوده، اما پژوهش حاضر چگونگی گرفتن تصمیم‌های کلان (حاکمیتی) دفاع مقدس در سطح مقام‌های عالی‌رتبه کشوری و لشکری را مورد نظر دارد و در این راستا در تلاش است تا به سؤال‌هایی مانند «عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سیاستمداران و فرماندهان دفاع مقدس چیست؟»، «بازیگران مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس کدامند؟» و «فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس دارای چه گام‌ها و مراحل است؟» پاسخ دهد. این سؤال‌ها در نهایت منجر به پاسخ به سؤال اصلی پژوهش یعنی «تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است؟» خواهند شد. به این منظور و با توجه به نبود سابقه نظری و پژوهشی مرتبط، استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد مبتنی بر دیدگاه «استراوس و کوربین» در دستورکار تحقیق قرار گرفت. نتایج تحقیق به‌وسیله انجام مصاحبه با بازیگران حاکمیتی دفاع مقدس (بیشتر با اعضای قرارگاه خاتم‌الانبیاء در دوران دفاع مقدس) و نیز انجام مطالعه مجزا درباره روند تصمیم‌گیری در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نیز سایر اسناد مکتوب؛ منجر به شکل‌گیری ۹۹۶ نکته کلیدی در قالب ۱۴۲ مفهوم و نیز ۴۳ مقوله انتزاعی گردید. مقوله‌های گفته‌شده سپس در قالب ۶ بخش تعریف شده در پارادایم کدگذاری محوری تحقیق دسته‌بندی شدند. در نهایت گزاره‌های نظری پژوهش به‌وسیله انجام کدگذاری انتخابی در قالب ۵ قضیه و ۱۲ زیرقضیه نظری به‌دست آمد.

**واژگان کلیدی:** تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری عمومی، خط‌مشی عمومی، دفاع مقدس، نظریه داده‌بنیاد.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) - aslipour@atu.ac.ir

۲. مدیر گروه دایره المعارف استانی دفاع مقدس - alimirhashemi@yahoo.com

۳. استادیار پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس - hadi.nahadi@gmail.com

## مقدمه

«تصمیم‌گیری»، انتخاب یک راه‌حل از میان چند گزینه ممکن است که در دو سطح صورت می‌پذیرد. نخست، سطح خرد که در آن تصمیم‌گیری، به‌طور عمده توسط مدیران در راستای حل مسائل و مشکلات سازمانی گرفته می‌شود. دوم سطح کلان که در آن به‌طور عمده تصمیم‌های بازیگران کلان حاکمیتی از جمله سیاستگذاران به‌منظور حل مسائلی که با کل جامعه (و نه یک سازمان یا یک گروه خاص) مرتبط است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۲) تصمیم‌های حاکمیتی عرصه دفاع مقدّس نیز در زمره سطوح کلان تصمیم‌گیری یا سیاستگذاری عمومی قرار می‌گیرد.

یکی از وظایف پژوهشگران علوم مدیریتی، رصد مشکلات جامعه به‌صورت عینی به‌منظور حل مسائل دنیای واقعی و ارائه «راه‌حل»‌های متناسب به مدیران و سیاستگذاران جهت حل آن مسائل است. چنین هدفی به‌طور ویژه در علم سیاستگذاری عمومی که ماهیتی کاربردی و مسئله‌محور دارد، دنبال می‌شود. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تصمیم‌گیری عمومی، گرفتن تصمیم‌های دفاعی و نظامی در سطح کلان است؛ چرا که کل افراد جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. دفاع مقدّس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تجربه‌های چند دهه اخیر در عرصه دفاعی و نظامی کشور آکنده از تصمیم‌گیری سیاستگذاران، بازیگران و گروه‌های ذینفع بوده است. تصمیم‌هایی مانند شروع، خاتمه و یا چگونگی ادامه جنگ نظامی علیه دشمنان متجاوز.

## ۱. کلیات

### ۱-۱. بیان مسئله

برای موضوع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری عمومی تاکنون الگوهای گوناگونی ارائه شده است. هریک از این الگوها، مسائل عمومی، علل و پیامدهای آن را از دیدگاه متفاوت و با پیش‌فرض‌ها و گزاره‌های ارزشی موردنظر خود مورد بررسی قرار می‌دهد. تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس متأثر از تفکر انقلاب اسلامی، ارزش‌های حاکم بر کشور، بازیگران و

گروه‌های حاضر در عرصه حاکمیتی دفاع مقدس (مانند فرماندهی کل قوا، دولت و نیروهای مسلح) بوده است. بنابراین الگوهای موجود سیاستگذاری عمومی، هیچ کدام تبیین‌گر مناسبی برای چگونگی اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس نخواهند بود. افزون‌بر این، پژوهش‌های صورت گرفته در این قلمرو موضوعی اغلب چگونگی اخذ تصمیم‌های نظامی در جریان عملیات‌های دفاع مقدس (و نه تصمیم‌های حاکمیتی) را در کانون توجه خود قرار داده‌اند.

در واقع مسئله اصلی ابهام در چگونگی ایفای نقش بازیگران کلیدی کشوری و لشکری در اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس است. ابهام گفته شده منجر به این خواهد شد که با وجود تجربه‌های ارزشمند به دست آمده در سطح حاکمیتی تصمیم‌گیری دفاع مقدس، امکان بهبود فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان در جنگ‌های احتمالی پیش‌رو محدود شود. این مهم نیازمند مستندسازی تجربه‌هاست و در این راستا پژوهش حاضر تبیین فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس با بهره‌گیری از نقطه‌نظرهای خبرگان و بازیگران کلیدی موضوع و نیز اسناد مکتوب را مورد توجه دارد. از سوی دیگر باید گفت درباره شیوه و فرایند اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس در میان صاحب‌نظران، اختلاف نظرهایی وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر هرچند خاتمه‌بخش منازعه‌های نظری گفته شده نخواهد بود، اما در عین حال تلاش نموده تا پاسخی برای چگونگی اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس در قالب یک الگو<sup>۱</sup> بیابد.

## ۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

دوران هشت ساله دفاع مقدس را می‌توان یکی از مصادیق ظهور پدیده «جنگ مقدس» دانست. اصطلاح جنگ مقدس یا دفاع مقدس بیانگر توجه به آرمان‌ها و هدف‌های متعالی

۱. الگو بازسازی و تلخیصی از واقعیت است که با در برداشتن ویژگی‌های اصلی آن، شناخت از واقعیت را تسهیل می‌کند. (هدی، ۱۳۸۶: ۱۷) در این تحقیق، تعریف الگو متأثر از رویکرد داده‌بنیاد متناظر با ابعاد «الگوی پارادایمیک» مرحله کدگذاری محوری این روش در نظر گرفته شده است.

جنگ و عبور از عوامل و علل سطحی بروز نزاع‌ها مانند عوامل قومیتی، نژادی و ... است. (رحیمی، ۱۳۸۱) اهمیت این ویژگی در سطح تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس دوچندان می‌گردد، چرا که ماهیت ارزش‌محور نظام سیاستگذاری عمومی در کنار ماهیت اعتقادی (ایدئولوژیک) انقلاب اسلامی و به‌ویژه دفاع مقدس، سطح ارزش‌مداری الگوی تصمیم‌گیری موردنظر را دوچندان می‌سازد. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تصمیم‌گیری عمومی هر کشور حوزه مسائل نظامی و دفاعی است. تأمل و تدقیق فرایند و چگونگی اتخاذ تصمیم‌های سطح کلان دفاع مقدس می‌تواند مسیر اتخاذ تصمیم‌های حاکمیتی بعدی در صورت بروز شرایط مشابه (جنگ احتمالی آینده) را تا اندازه‌ای هموارتر ساخته و زمینه یادگیری از تجربه‌ها و درس‌آموخته‌های گذشته برای سیاستگذاران، فرماندهان و مدیران ارشد دولتی را فراهم نماید. در واقع، نپرداختن به این مسئله، ابهام در نقش هر کدام از بازیگران کلیدی تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس و عدم امکان ورود به موضوع چگونگی بهبود این فرایند را به دنبال خواهد داشت.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

کانون توجه پژوهش‌های مدیریتی دفاع مقدس تاکنون چگونگی مدیریت و تصمیم‌گیری فرماندهان در سطح عملیات‌های نظامی بوده، اما پژوهش حاضر چگونگی اتخاذ تصمیم‌های کلان (حاکمیتی) دفاع مقدس در سطح مقام‌های عالی‌رتبه کشوری و لشکری را مورد توجه دارد. با وجود اهمیت موضوع، جستجوی صورت گرفته جهت یافتن پژوهش‌های موضوعی مشابه نتایج محدودی به دنبال داشت:

(۱) «صادقی مال‌امیری و همکاران» (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان سپاه در دفاع مقدس» ابعادی مانند ظرفیت و توان تصمیم‌گیری، فرایند و ماهیت تصمیم‌گیری، ویژگی‌های تصمیم‌گیرنده و محیط تصمیم‌گیری را به عنوان ابعاد اصلی الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان معرفی کرده و به سنجش کمی ارتباط میان ابعاد بیان‌شده پرداخته‌اند. (صادقی مال‌امیری و همکاران، ۱۳۹۳)

(۲) «غلامرضا گودرزی و همکاران» (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان دفاع مقدّس با تأکید بر عملیات‌های موفق سال دوم جنگ تحمیلی» عواملی مانند ویژگی‌های شخصی و مبانی اندیشه‌ای تصمیم‌گیرندگان، طراحی اولیه و کلان‌نگری در تصمیم‌ها، فضا و شیوه اجرای تصمیم‌ها، آماده‌سازی شرایط و در نهایت ویژگی نیروهای تحت امر را در موفقیت چهار عملیات بزرگ سال دوم جنگ موثر دانسته‌اند. (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۹)

#### ۴-۱. سؤال‌های تحقیق

##### ۴-۱-۱. سؤال اصلی

تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی بوده است؟

##### ۴-۱-۲. سؤال‌های فرعی

- (۱) عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری حاکمیتی بازیگران کلان دفاع مقدّس چه بوده است؟
- (۲) بازیگران اثرگذار در فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس کدام بوده‌اند؟
- (۳) فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس دارای چه گام‌ها و مراحل بوده است؟

#### ۵-۱. هدف‌های تحقیق

##### ۵-۱-۱. هدف اصلی

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس.

##### ۵-۱-۲. هدف‌های فرعی

- (۱) شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری حاکمیتی بازیگران کلان عرصه دفاع مقدّس؛
- (۲) شناسایی انواع بازیگران اثرگذار در فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس؛
- (۳) شناسایی فرایند (گام‌ها و مراحل) تصمیم‌گیری حاکمیتی عرصه دفاع مقدّس.

### ۱-۶. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، با توجه به رویکرد کیفی انتخاب شده است. از آنجا که تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع اکتشافی است و با توجه به فقدان سابقه نظری خاص در این زمینه روش «نظریه داده بنیاد» مورد استفاده قرار گرفته است. نظریه داده بنیاد، نگرش جدیدی به منظور درک فرایندهای اجتماعی عرضه می‌کند که از بستر و متن وقوع این فرایندها پدیدار می‌گردد. (Strauss & Corbin, 1998) و در آن هیچ‌گونه اجباری جهت هماهنگی و استفاده از چارچوب‌های نظری سابق وجود ندارد. (Charmaz, 2014) روش داده‌بنیاد دارای مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی است که در مرحله «کدگذاری محوری» شبکه ارتباطی میان مقوله‌ها در قالب پارادایم کدگذاری محوری ایجاد می‌شود. البته گفتنی است که تشریح مفاد شبکه ارتباطی ترسیم‌شده در کدگذاری محوری به وسیله ساخت و تشریح قضایای نظری در مرحله کدگذاری انتخابی صورت خواهد گرفت.

این تحقیق به لحاظ قلمرو زمانی، داده‌های مربوط به هشت سال دفاع مقدّس (۱۳۶۷-۱۳۵۹) را مورد توجه دارد. هر چند مصاحبه‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ صورت گرفته است. قلمرو مکانی تحقیق، کلیه مراکز و نهادهای اصلی متولی اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس بوده است. قلمرو موضوعی تحقیق فصل مشترک دو حوزه نظری سیاستگذاری عمومی و نیز علوم دفاعی و راهبردی است.

نمونه تحقیق در پژوهش حاضر، تحت تأثیر دو ابزار اصلی گردآوری اطلاعات یعنی «مصاحبه‌های تخصصی نیمه ساختاریافته» و «اسناد و مدارک» مرتبط با تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس (مانند قطعنامه ۵۹۸) جهت یافته است. مطابق با مراحل روش تحقیق فرایند نمونه‌برداری تا مرز تحقق کفایت نظری ادامه می‌یابد. خبرگی مصاحبه‌شوندگان در تحقیق حاضر از یکی از دو معیار زیر پیروی کرده است:

- (۱) برخورداری از سابقه اجرایی در مشاوره و اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس؛
- (۲) برخورداری از دانش علمی، سابقه پژوهش و خبرگی در مطالعات دفاع مقدّس.

## جدول شماره (۱): پراکنش مصاحبه‌شوندگان با توجه به نوع مسئولیت

شناسه	مسئولیت - موضوع سند
A	جانشین پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
B	جانشین معاونت اطلاعات و عملیات ارتش جمهوری اسلامی (۱۳۶۱)
C	پژوهشگر ارشد دفاع مقدس (دارای تألیف‌های گسترده در این حوزه)
D	مطالعه موردی قطعنامه ۵۹۸ (گفتارهای مرحوم آیت‌... هاشمی رفسنجانی، سردار سرلشکر رشید، امیر دریابان شمشخانی، دکتر محمدجواد لاریجانی و ...)
E	رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء (۱۳۶۲)
F	اسناد مکتوب (مجموعه گفتارهای مقام معظم رهبری، سردار سرلشکر باقری، رویان دفتر سیاسی سپاه پاسداران، مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس و ...)
G	رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء (۱۳۶۳-۱۳۶۶)
H	مصاحبه‌های جانشین فرمانده کل قوا در دوران دفاع مقدس
I	فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس

## ۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

## ۲-۱ سیاست‌گذاری عمومی

«سیاست عمومی<sup>۱</sup>» تصمیمی است که در قبال یک مسئله عمومی و با هدف حل آن گرفته می‌شود. (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۶) «توماس دای»، سیاست عمومی را «هر آنچه حکومتی انتخاب می‌کند انجام دهد یا انجام ندهد» توصیف می‌کند. (Deleon&Overman, 2008) در تعریف دیگر چنین آمده: «سیاست عمومی تصمیمی است که توسط مراجع مختلف نظیر مجلس، دولت و یا قوه قضائیه که نماینده حفظ منافع عمومی هستند اتخاذ می‌شود». (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۵)

«تصمیم‌گیری حاکمیتی» در پژوهش حاضر را می‌توان معادل «سیاست‌گذاری عمومی» دانست. تصمیم‌گیری در سطح حاکمیتی دارای مراحل است که مهم‌ترین آنها عبارتند از دستورکارگذاری تصمیم، شکل‌گیری گزینه‌های تصمیم، اتخاذ تصمیم، اجرا و در پایان

ارزیابی تصمیم. نکته‌دارای اهمیت آن است که دایره‌ اثرگذاری ذینفعان و بازیگران در مراحل مختلف گسترده است، اما در مرحله اتخاذ تصمیم، به‌طور انحصاری بازیگران کلان سیاسی و حاکمیتی ایفای نقش می‌کنند. (Howlett&Ramesh, 2009:13)

برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری عمومی الگوهای گوناگونی ارائه شده است: «الگوی عقلایی»، «الگوی رضایت‌بخش»، «الگوی فرایندی»، «الگوی جزئی-تدریجی»، «الگوی نهادی»، «الگوی گروهی»، «الگوی نخبگان»، «الگوی جریان‌های چندگانه (جریان‌ها و دریچه‌ها)»، «الگوی نظریه‌بازی»، «الگوی انتخاب عمومی»، «الگوی سیستمی» و «الگوی آشفته». (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸)

## ۲-۲. ارتباط نظری جنگ و سیاست

بنابر تعریف «کلاوزویتس»، جنگ همان ادامه سیاست است و هر جا سیاست به بن‌بست می‌رسد، صورت آن در قالب جنگ ادامه می‌یابد. به‌گفته‌ی وی، جنگ در هر شرایطی به‌مثابه امری مستقل تلقی نمی‌شود، بلکه ابزاری سیاسی است. آغاز و پایان جنگ، دامنه و شدت آن و بسیاری از ملاحظه‌های دیگر تابع هدف‌ها، الزام‌ها و تصمیم‌های سیاسی است و به این اعتبار منطق سیاست بر همه‌ی اجزای جنگ حاکم است. (درودیان، ۱۳۹۱: ۲۴)

بنابراین جنگ و سیاست دارای ارتباط ماهوی با یکدیگرند. مطابق با این رویکرد، تحلیل چگونگی تصمیم‌گیری در جنگ بدون توجه به بافت و زمینه تصمیم‌گیری سیاسی دو یا چند کشور متخاصم امکان‌پذیر نیست. اگرچه بافت سیاسی در مورد سایر موضوع‌های کلان تصمیم‌گیری (اعم از مسائل اقتصادی، اجتماعی، روابط بین‌الملل و...) نیز وجود دارد، اما با توجه به تعریف ارائه شده از ماهیت جنگ، این بافت در مورد تصمیم‌های حاکمیتی مربوط به جنگ تشدید می‌شود.



## ۲-۳. تصمیم‌گیری حاکمیتی در امور نظامی

### ۲-۳-۱. تعریف و مفهوم فرماندهی نظامی

مطالعه و کنکاش علمی در موضوع فرماندهی نظامی می‌تواند راهگشای حل بسیاری از معضله‌های مدیریتی جامعه قرار گیرد. (مدنی، ۱۳۸۷: ۴۲) سازمان پیمان آتلانتیک شمالی<sup>۱</sup> کوتاه‌ترین بیان را در مورد «فرماندهی» ارائه می‌دهد: «قدرتی که به نیروهای مسلح برای هدایت، هماهنگی و واپایش (کنترل) نیروهای نظامی واگذار می‌گردد». (خودسیانی و همکاران، ۱۳۹۱) اصلی‌ترین وظیفه فرماندهی نظامی، تعیین «راهبرد نظامی» است. راهبرد نظامی عبارت است از هدف‌ها (مقاصدی که برای دستیابی به آن کوشش می‌شود که هدف نهایی همان تأمین سیاست ملی است)، روش‌ها (سلسله‌اقدام‌ها یا شیوه‌های گوناگون برای به‌کارگیری قدرت نظامی) و ابزارها (وسایل و ابزارهایی که با آن می‌توان به هدفی مانند پول، نیرو، لجستیک و... دست یافت). (Lykke, 1989)

از سوی دیگر باید گفت در انقلاب اسلامی ایران تأثیر فرماندهی «ولایت فقیه» بر نیروهای مسلح و کل قوای حکومت گسترده‌گی و عمق زیادی دارد. بررسی تجربه جنگ‌های ایران در ۲۰۰ سال اخیر شامل جنگ‌های اول و دوم ایران با روسیه، جنگ با انگلستان در جنوب کشور و در نهایت جنگ ایران و عراق حاکی از آن است که مهم‌ترین عامل پیروزی در دفاع مقدس که دقیقاً عامل شکست ایران در جنگ با استعمارگران سابق است در «رهبری سیاسی» نظام خلاصه می‌شود. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که دلایل عمده شکست ایران در سه جنگ زمان قاجار نه ضعف نظامی کشور و نه قدرت فوق‌العاده نظامی طرف‌های درگیر با ایران بوده، بلکه مشکل اساسی را باید در ساختار رهبری سیاسی کشور خلاصه کرد. (رحیمی، ۱۳۸۱)

### ۲-۳-۲. تصمیم‌گیری حاکمیتی امور نظامی در بستر قانون اساسی کشورها

به‌طور معمول شیوه‌ی اخذ تصمیم‌های حاکمیتی در هر کشوری ریشه در چگونگی تفکیک قوا و نهادهای اصلی قدرت در متن قانون اساسی آن کشور و اختیارات

1. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

تعیین شده برای قوای حاکمیتی دارد. بررسی متن قانون اساسی کشورهای مختلف حکایت از آن دارد که اختیار تصمیم‌گیری دربارهٔ اعلام جنگ بیشتر بر عهدهٔ پارلمان، کنگره و یا همان مجلس نمایندگان بوده و اختیار چگونگی اجرای این تصمیم و یا به عبارت بهتر «فرماندهی کل قوا» به عهدهٔ رئیس‌جمهور است (مانند آمریکا). البته در نظام‌های نیمه‌ریاستی (مانند فرانسه) در غیاب رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر به‌عنوان جانشین وی نیروهای مسلح را هدایت می‌کند. البته این نوع تقسیم‌کار با توجه به قوای اصلی حاکمیتی در کشورهای مختلف دارای تفاوت‌هایی است. به‌عنوان مثال در ساختار قانون اساسی آلمان، اختیار اعلام جنگ با «بوندستاگ» (پارلمان فدرال مرکزی آلمان) و فرماندهی کل قوا با صدراعظم بوده و وزیر دفاع به‌عنوان جانشین صدراعظم اختیار هدایت امور را بر عهده دارد. قانون اساسی فدراسیون روسیه نیز تشکیل شورای دفاع، فرماندهی نیروهای مسلح و نیز اعلام رسمی جنگ را بر عهدهٔ هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد گذاشته شده که این وظیفه در مواردی به رئیس‌جمهور قابل تفویض است. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸)

### ۲-۳-۳. تصمیم‌گیری حاکمیتی امور نظامی در ایران

نظام ج.ا.ایران به استناد اصل پنجم قانون اساسی مبتنی بر نظام امامت و امت طراحی شده است. در مورد تعریف رهبری و فرماندهی کل قوا، به‌طور قطع و یقین باید هم‌زمان برخی اصول قانون اساسی را مورد توجه قرار داد: اصولی مانند ۱۱۰ (تعریف رهبری)، ۱۷۶ (شورای عالی امنیت ملی)، ۱۱۳ و ۱۲۹ (مسئولیت رئیس‌جمهور)، ۶۷ و ۷۶ (مسئولیت مجلس شورای اسلامی)، ۱۴۳ (ارتش جمهوری اسلامی) و ۱۵۰ (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی). مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی «فرماندهی کل نیروهای مسلح» و نیز «اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها» از اختیارات ولیّ فقیه است.

در اواخر جنگ (۱۳۶۷/۳/۱۱) با توجه به بروز برخی حواشی، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در نامه‌ای به امام خمینی<sup>(ره)</sup> خواستار تشکیل «ستاد فرماندهی کل قوا» شدند تا این عنوان که صرفاً در یک جانشینی خلاصه می‌شد، به یک تشکیلات برای

مدیریت نیروهای نظامی بدل شود.<sup>۱</sup> البته گفتنی است افزون بر ستاد کل نیروهای مسلح، توجه به جایگاه «قرارگاه خاتم‌الانبیاء» در زمینه‌سازی برای اخذ تصمیم‌های حاکمیتی به‌ویژه در دوران جنگ دارای اهمیت فراوان است. هر چند به جایگاه این قرارگاه در قانون اساسی تصریح نشده، ولی با توجه به اختیارات رهبری (اصل ۱۱۰) تشکیل چنین قرارگاهی به‌عنوان مقام مشاور در تصمیم‌سازی و ارائه مشاوره‌های راهبردی به فرماندهی کل قوا کاملاً قانونی است.

### ۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها

#### ۳-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته به سؤال‌های فرعی تحقیق پاسخ داده شده است:

سؤال فرعی نخست عبارت بود از: عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری حاکمیتی بازیگران حاکمیتی دفاع مقدس چه بوده است؟ در راستای پاسخ به این سؤال و پس از

۱. در بخشی از متن نامه آمده است: «...پیشنهاد مشخص اینجانب این است که: ۱- کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.  
۲- شخص مزبور از سوی حضرتعالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمشیت کند ... با توجه به همه جوانب، به نظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است.» امام خمینی در پاسخ به نامه فوق در دوازدهم خرداد ۱۳۶۷، در نامه‌ای خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی دستورات زیر را صادر فرمودند:

«۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.

۲- هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس.

۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدسمان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴- سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا ادغام سازمان‌ها و تشکیلات تکراری و غیرضروری.

۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها و ...».

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و اسناد مربوط، ۵۶ مفهوم و ۱۸ مقوله فرعی (از فهرست ۴۳ مقوله شکل گرفته در تحلیل کدگذاری باز) به شرح جدول شماره (۲) شکل گرفت. این ۱۸ مقوله در قالب ۶ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. با توجه به تعدد مفاهیم، بیان تمامی آنها در این بخش ممکن نبود، بنابراین در ادامه به معرفی مقوله‌های اصلی و فرعی به دست آمده از تحلیل داده‌های کیفی اکتفا شده است. نکته دیگر آنکه استناد به نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان و یا عبارات کلیدی به دست آمده از اسناد در بخش تشریح قضایای نظری (۳-۳) صورت گرفته است.

#### جدول شماره (۲): مقوله‌های مربوط به پاسخ به سؤال فرعی نخست

عنوان مقوله‌ها (اصلی)	عنوان مقوله‌ها (فرعی) <sup>۱</sup>
عوامل سیاسی موثر بر تصمیم‌گیری	سلسله‌مراتب سطوح تصمیم‌گیری (۶) / بحران‌های سیاسی مدیریت کشور (۲) / سیاست‌های بالادستی حاکم بر تصمیم‌ها (۳) / بافت سیاسی تصمیم‌گیری حاکمیتی (۵)
شرایط ویژه دشمن	هوشمندی دشمن (۲) / امکانات سرشار دشمن (۲) / ورود مستقیم آمریکا در جنگ (۳) / جنگ غیرمتعارف دشمن (۲)
محدودیت‌های حاکم بر تصمیم‌گیری	محدودیت‌های شدید اقتصادی (۴) / محدودیت‌های ادوات و تجهیزات نظامی (۳) / بسیج مردمی و محدودیت‌های آن (۳)
دوگانگی مراجع تصمیم‌گیری	اختلاف سپاه و ارتش (۳) / دوگانگی منابع جنگ - کشور (۳) / دوگانگی جنگ عاشورایی - جنگ کلاسیک (۵) / ضرورت وحدت نظامی - سیاسی (۴) / پراکندگی مراجع تصمیم (۳)
اتخاذ رویکرد مدیریتی	رویکرد مدیریتی به تصمیم‌گیری (۲)
حاکمیت سنت‌های الهی بر تصمیم‌ها	حاکمیت سنت‌های الهی بر نظام تصمیم (۱)

سؤال فرعی دوم عبارت بود از: بازیگران اثرگذار در فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس کدام بوده‌اند؟ در راستای پاسخ به این سؤال ۴۷ مفهوم و ۱۵ مقوله فرعی (از

۱. اعداد مقابل هر کدام از مقوله‌های فرعی در این ستون، بیانگر تعداد «مفاهیم» زیرمجموعه آن «مقوله» است.

فهرست ۴۳ مقوله شکل گرفته در تحلیل کدگذاری (باز) به شرح جدول شماره (۳) شکل گرفت که این ۱۵ مقوله در قالب ۷ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند.

جدول شماره (۳): مقوله‌های مربوط به پاسخ به سؤال فرعی دوم

عنوان مقوله‌ها (اصلی)	عنوان مقوله‌ها (فرعی)
امام و فرماندهی کل قوا	فرماندهی کل قوا (۴) / حجت‌الاسلام سید احمد خمینی (۲)
جانشین فرماندهی کل قوا	آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (۲) / جایگاه جانشینی فرماندهی (۳)
بازیگر فرا نهادی	شورای عالی دفاع (۲)
قوای سه‌گانه	قوه مجریه (۴) / قوه مقننه (۳) / قوه قضائیه (۱)
قرارگاه‌های تصمیم‌گیری	قرارگاه خاتم‌الانبیاء (۷) / قرارگاه کربلا (۱)
نیروهای مسلح	نیروهای مسلح (۴) / ستاد فرماندهی (۵) / سرلشکر محسن رضائی (۲) / شهیدصیاد شیرازی (۱)
ضعف در کنش بازیگران	ضعف در مسئولیت‌پذیری کنشگران (۳) / دوگانگی در تحلیل کنشگران (۴)

مفاهیم و متغیرهای دخیل در پاسخ به این سؤال در سراسر ۸ سال دفاع مقدس یکسان بوده، چرا که بازیگران مشارکت‌کننده در تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس در دوره‌های مختلف آن یکسان نیستند. به این منظور باتوجه به اظهارات مصاحبه‌شوندگان و خبرگان موضوع می‌توان دوره‌های تاریخی زیر را تقسیم‌بندی نمود:

دوره اول - دوره دفاع و آماده‌سازی (۵۹/۰۶/۳۱ تا ۱۳۶۱/۰۹/۰۱ به مدت ۱۵ ماه):

تصمیم‌گیری حاکمیتی در این مقطع زمانی تا پیش از عزل بنی‌صدر، به‌طور عمده توسط فرمانده کل قوا (رئیس‌جمهور وقت) و بدون مداخله مؤثر شورای عالی دفاع صورت می‌گرفته است. هرچند در این دوره به‌دلیل عدم جلب مشارکت کنشگران کلیدی تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس، شاهد نارضایتی کنشگران سطح حاکمیتی هستیم، اما باید گفت که تجربه ویژگی‌ها و نوع تصمیم‌گیری در این دوره منجر به اصلاح شیوه اخذ تصمیم‌گیری دوره‌های بعد به‌ویژه در تغییر فرماندهی کل قوا شده است.

**دوره دوم - بیرون راندن دشمن (۱۳۶۰/۰۹/۱۰ تا ۱۳۶۱/۰۳/۳۰ به مدت ۶ ماه):** از ابتدای عملیات بیت‌المقدس تا ابتدای عملیات رمضان. در این دوره شاهد انجام ۴ عملیات بسیار موفق (عملیات‌های طریق‌القدس، الی بیت‌المقدس، فتح‌المبین و ثامن‌الائمه) هستیم. جابه‌جایی در نهاد و مرجع اصلی فرماندهی کل قوا، نزدیکی سپاه و ارتش و شکل‌گیری قرارگاه کربلا و حضور مؤثر شورای عالی دفاع از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره به‌لحاظ بازیگران مؤثر حاکمیتی به‌شمار می‌رود.

**دوره سوم - تنبیه و تعقیب متجاوز (۱۳۶۱/۰۳/۳۱ تا ۶۷/۰۳/۲۸ به مدت ۵ سال و ۸ ماه):** پس از عدم دستیابی عملیات رمضان به هدف‌های عملیاتی موردنظر، زمینه شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین بازیگران حاکمیتی دفاع مقدس یعنی قرارگاه خاتم‌الانبیاء فراهم شد. حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و شکل‌گیری مقطعی ستاد قرارگاه خاتم و نیز جانشینی فرماندهی کل قوا در اواخر این دوره از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره سوم به‌لحاظ نوع بازیگران مؤثر تلقی می‌شود.

**دوره چهارم - پایان جنگ (۱۳۶۷/۰۱/۲۸ تا ۱۳۶۷/۰۵/۱۰ به مدت تقریباً ۳ ماه و نیم):** این دوره از زمانی که آمریکا مستقیم وارد جنگ با ایران می‌شود آغاز می‌شود. مهم‌ترین ویژگی تصمیم‌گیری در این دوره حضور پررنگ و معنادار قوه مجریه در نقش تصمیم‌ساز کلیدی و به‌عبارت دقیق‌تر به‌عنوان ستاد تخصصی قرارگاه خاتم است. مهمترین محصول تصمیم‌گیری حاکمیتی در این دوره «پذیرش قطعنامه ۵۹۸» است.

سؤال فرعی سوم عبارت بود از: **فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس دارای چه گام‌ها و مراحل بوده است؟** در راستای پاسخ به این سؤال، ۴۰ مفهوم و ۱۰ مقوله فرعی (از فهرست ۴۳ مقوله شکل گرفته در کدگذاری باز) به شرح جدول شماره (۴) شکل گرفت که این ۹ مقوله در قالب ۴ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند.

## جدول شماره (۴): مقوله‌های مربوط به پاسخ به سؤال فرعی سوم

عنوان مقوله‌ها (اصلی)	عنوان مقوله‌ها (فرعی)
ایده‌پردازی و کارشناسی تصمیم	غلبه فرایند پایین به بالای نظام تصمیم (۳) / تصمیم‌سازی و تحلیل کارشناسانه (۳) / حلقه مفقوده ستاد در تصمیم‌گیری حاکمیتی (۹)
تهیه گزینه‌های تصمیم	تصمیم‌گیری واقع‌بینانه در عین آرمان‌گرایی (۶) / محوریت نظر اکثریت نخبگان (۳)
انتخاب گزینه نهایی تصمیم	انتخاب گزینه تصمیم با فرماندهی (۳) / سبک فرماندهی حامیانه امام (۵) / پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (۳)
بازخورد تصمیمات	نظارت و ارزیابی تصمیم‌ها (۲)

مشابه توضیحاتی که در پاسخ به سؤال قبل ارائه شد، می‌توان تقسیم‌بندی تاریخی دوره‌های دفاع مقدس را در «فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی» آن به شرح زیر در نظر گرفت:

۱- دوره دفاع و آماده‌سازی: تقلیل ستاد فرماندهی کل قوا از ستاد تخصصی ارتش به چند مشاور کلیدی • تصمیم‌سازی برای رئیس جمهور (فرماندهی کل قوا) • اخذ تصمیم نهایی توسط بنی‌صدر • عدم کسب موفقیت راهبردی در سطح نظامی.

۲- دوره بیرون راندن دشمن: نزدیکی سپاه و ارتش • غلبه فرایند پایین به بالای ایده اولیه تصمیم • تحلیل و بررسی کارشناسی • اخذ تصمیم به صورت دو امضای سپاه و ارتش در قرارگاه کربلا • تأیید شورای عالی دفاع • بنای حمایتی فرماندهی کل قوا (امام) در تأیید تصمیم‌ها • تفاوت نظر راهکنشی (تاکتیکی) سپاه و ارتش پس از عملیات رمضان.

۳- دوره تنبیه و تعقیب متجاوز و پایان جنگ: تشکیل موقتی ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء در نهاد ریاست جمهوری زیر نظر شخص رئیس جمهور • حضور آیت‌... هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده قرارگاه • تغییر ترکیب و ماهیت وظایف ستاد قرارگاه • اخذ و کارشناسی تصمیمات در قرارگاه • شکل‌گیری جایگاه رسمی جانشین فرماندهی کل قوا • بنای حمایتی امام در تأیید تصمیم‌ها • تغییر ترکیب ستاد قرارگاه از طریق واگذاری کامل آن به قوه مجریه • پذیرش قطعنامه ۵۹۸.

### ۲-۳. اعتبارسنجی یافته‌ها

در پژوهش حاضر از روش‌های مختلفی برای گردآوری اطلاعات استفاده شد تا با استفاده از ترکیب مصاحبه و تحلیل اسناد، موضوع از چند منظر گوناگون بررسی شود تا بتوان به یافته‌ها اعتماد بیشتری داشت. به‌منظور اطمینان از روایی و پایایی پژوهش اقدام‌های زیر انجام شد (Creswell & Miller, 2000):

(۱) تطبیق توسط اعضا<sup>۱</sup>: فرایند تحلیل داده‌ها، الگوی کدگذاری محوری، گزارش نهایی توسط مصاحبه‌شوندگان و مشارکت‌کنندگان در تحقیق مورد بررسی، بازبینی و تأیید قرار گرفت.

(۲) بررسی همکار<sup>۲</sup>: سه تن از استادان به بررسی یافته‌ها پرداخته و پس از اعمال اظهارنظرهای کارشناسانه ایشان، الگوی نهایی مورد تأیید قرار گرفت.

(۳) درگیری طولانی‌مدت پژوهشگران با موضوع تحقیق: از ویژگی‌ها و تمایزات پژوهش‌های کیفی موضوع مقایسه و سنجش مستمر اطلاعات است. چنین امری نیازمند درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر با موضوع تحقیق است که این فرایند در پژوهش حاضر بیش از دو سال به‌طول انجامیده است.

### ۳-۳. تشریح قضایای نظری

«قضیه ۱»: ویژگی اصلی سبک تصمیم‌گیری حاکمیتی امام راحل<sup>(ره)</sup>، اتخاذ رویکرد حامیانه، عدم ورود به جزئیات و توجه به نظر بیشتر نخبگان مسئول بوده است. اظهارات برخی از مصاحبه‌شوندگان در تشریح قضیه بالا به‌طورکامل گویاست. «امام از جزئیات نظامی طرح از جمله تعداد یگان‌ها، مراحل عملیات، مدت زمان عملیات و ... اطلاعی کسب نمی‌کردند، بر خلاف فرایند متعارف تصمیم‌گیری که مدیر معمولاً از جزئیات اطلاعات مورد نیاز کسب اطلاع می‌کند ... شاید هیچ موردی نداشته باشیم که در

1. Member checking
2. Peer examination



مورد عملیات‌های بزرگ طرحی به صورت کلی به امام ارائه شده باشد و ایشان نپذیرفته یا حمایت نکرده باشند.» (جانشین پژوهشگاه دفاع مقدس)<sup>۱</sup> یکی دیگر از خبرگان در این باره چنین گفته است: «دخالت امام در جزئیات از نظر سنی با شرایط جسمانی امام سازگاری نداشت. ما با ارتش به تصمیمات می‌رسیدیم، نوعی تأیید اجمالی از شورای عالی دفاع و یک تأیید کلی به معنی عدم مخالفت از حضرت امام می‌گرفتیم.» (فرمانده سپاه در دفاع مقدس)

اظهار نظر یکی دیگر از خبرگان چنین است: «امام در قدم اول هم با ورود به خاک عراق مخالفت کردند و هم با ختم جنگ. اما نظامی‌ها می‌گفتند که اگر عراق بفهمد ما پشت مرز می‌ایستیم و داخل خاک نمی‌شویم با خیال راحت قوای خود را بازسازی می‌کند. با اینکه شخصیت امام زبان نظامی‌ها را مقداری کند می‌کرد ولی انصافاً کارشناسانه حرف زدند. گفتند: اینکه ما دشمن منهزم را تعقیب نکنیم و به آنها فرصت تجدید قوا بدهیم، با منطق نظامی نمی‌خواند. امام در مقابل منطق خاضع بودند و با همه قاطعیتی که داشتند، منطق اینها را پذیرفتند.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

البته گفتنی است که خضوع امام فقط در برابر نظر کارشناسانه بوده است: «امام در مورد اعزام بخشی از نیروها توسط سپاه پاسداران به سوریه که بدون اطلاع اولیه ایشان صورت گرفته بود، با اینکه اعزام نیروها انجام شده بود ولی چون این تصمیم پشتوانه کارشناسی لازم را نداشت و اظهارات مسئولین مرتبط نتوانست ایشان را قانع کند، دستور به بازگشت نیروها و تمرکز بر حضور در جبهه‌های ایران دادند.» (پژوهشگر و مؤلف دفاع مقدس)

«قضیه ۲»: ویژگی مطلوب در تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس، واقع‌بینی در عین آرمان‌گرایی است.

آرمان‌ها بیانگر ارزش‌های محوری حاکم بر دفاع مقدس هستند و از این رو همواره ظرفیت ایجاد وحدت رویه را داشته‌اند. تبیین آرمان‌ها یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران

۱. ارجاعات داخل پرانتز پس از هر نقل قول در بخش یافته‌های پژوهش، مطابق با مسئولیت‌های معرفی شده نمونه تحقیق در جدول شماره (۱) است.

جوامع به‌شمار رفته و امام راحل نیز مدام بر آن تأکید ورزیده‌اند. نکته‌ی اساسی مورد توجه در قضیه حاضر آن است که آرمان‌گرایی و واقع‌نگری در شرایط جنگی منافاتی با یکدیگر نداشته بلکه لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند.

اظهار نظر یکی از خبرگان در این باره چنین است: «به نظرم وظیفه اصلی ستاد و مجریان زیر نظر فرمانده آن است که سازوکار تبدیل آرمان‌ها به واقعیات را فراهم سازند. و این مهم از طریق تبدیل آرمان‌ها به هدف‌ها، ابزارها و روش اجرای ابزارها محقق می‌شود. در مورد آرمان مورد نظر حضرت امام، به عقیده من مسئولین و مجریان امر نتوانستند راهبرد امام را به سه بخش مذکور در جمله قبل تبدیل نمایند. و به همین دلیل این راهبرد عملیاتی نشد.» (جانشین معاونت اطلاعات ارتش) یکی از ضرورت‌های واقع‌بینی در دفاع مقدّس، محدود بودن توان و امکانات نیروهای خودی در عین امکانات سرشار دشمن است. «در یکی از جلسه‌های پس از عملیات بدر سرلشکر رحیم صفوی می‌گفت در عملیات‌های مختلف سرمایه اصلی ما کم شده است. اگر ما به توان خودمان توجه نکنیم و بدون حساب روی این توان کار کنیم، ضررهای بسیاری می‌بریم. اثرات مخرب بین مردم تا مسئله دارشدن خود نیروهای بسیجی، و از طرفی بی‌اعتمادی رده‌های پایین‌تر به بالاتر. در هر یک از عملیات‌هایی که در توانمان نیست و انجام می‌دهیم، توانمان کاسته می‌شود.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

در اسناد مربوط به قطعنامه ۵۹۸ به نقل از سردار علایی چنین آمده است: «آقای هاشمی واقع بینانه‌تر عمل می‌کردند. به نظر می‌رسد برخی مواقع افراد به واقعیات توجه ندارند و تصور می‌کنند که اگر علاقه‌مند هستند به هدف‌های بالاتری برسند، همین علاقه‌مندی و حتی ایثارگری کفایت می‌کند. در حالی که خداوند همه چیز را با ساختارهایی که در جهان وجود دارد، به نتیجه می‌رساند.» (مطالعه موردی قطعنامه ۵۹۸)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود در این زمینه این چنین بیان می‌کند: «شهید احمد کاظمی از فرماندهان شجاع و متهور جنگ بود که جزیره مجنون تحت فرماندهی او بود. پس از عقب‌نشینی نیروهای ما در گلف اهواز ایشان را دیدم وقتی سؤال کردم، گفت:

باید واقعیت میدان را در نظر بگیریم. وقتی فرماندهی مثل احمد کاظمی این گونه حرف می‌زد، می‌توانستیم بفهمیم که اوضاع چگونه است.» (جانشین فرمانده کل قوا)

**تشریح «زیر قضیه ۱-۲»:** در عین وجود اختلاف نظرهای جزئی، میان راهبرد آیت‌... هاشمی رفسنجانی و آرمان مورد نظر امام اختلاف راهبردی وجود نداشته است.

یکی از نکات مهم در فهم ماهیت تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس بررسی راهبردها و جهت‌گیری‌های کلان بازیگران کلیدی است. به طور قطع امام به عنوان فرمانده کل قوا و آیت‌... هاشمی رفسنجانی به عنوان نماینده ایشان در فرماندهی جنگ و جانشین فرماندهی کل قوا از کلیدی‌ترین تصمیم‌گیران دفاع مقدس به‌شمار می‌روند. اظهارات مصاحبه‌شوندگان تحقیق بیانگر آن است که راهبردهای کلان دو بازیگر کلیدی گفته شده در بالا گرچه اختلافات جزئی داشته، اما در سطح کلان همسو و موافق یکدیگر بوده است. در ادامه به برخی از این نقل قول‌ها اشاره شده است.

آنچه مشهور و معروف است آن است که راهبرد اصلی امام به عنوان «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» با راهبرد نماینده ایشان یعنی آیت‌... هاشمی رفسنجانی «جنگ جنگ تا اولین پیروزی» در تقابل بوده است. اما بررسی عمیق‌تر موضوع حاکی از آن است که آیت‌... هاشمی راهبرد خود را در طول راهبرد امام در نظر داشته‌اند نه در مقابل آن. به این معنی که تکرار راهبرد جنگ جنگ تا اولین پیروزی، مقدمه تحقق راهبرد مورد نظر امام می‌باشد. خود ایشان در این باره چنین می‌گویند: «خدمت امام برای خدا حافظی رفتم و همین را مطرح کردم که ایشان بدانند من با این عقیده در جنگ می‌روم و هر چند که شعار می‌دهیم جنگ جنگ تا پیروزی یا تا رفع فتنه و یا هر چیز دیگر، استراتژی ما این است. گفتم که من با این هدف وارد میدان می‌شوم تا جنگ را به این صورت تمام کنیم ایشان هم نگاهی به من کردند و جواب ندادند. من هم انتظار نداشتم جواب بدهند می‌خواستم بگویم که اگر می‌خواهید من جنگ را فرماندهی کنم، این استراتژی من است. فقط با یک تبسم مواجه شدم. این تبسم می‌توانست به معنای اینکه شما ساده هستید باشد و می‌توانست به این معنا باشد که این خوب است ولی حقش نبود که امام این حرف را بگویند این حرف

را من می‌بایست می‌گفتم که گفتم. بعضی‌ها هم گفتند همه می‌گویند جنگ جنگ تا پیروزی آقای هاشمی می‌گوید جنگ جنگ تا یک پیروزی. آنها نمی‌دانستند که پشت این یک پیروزی همان پیروزی واقعی است که از این در می‌آید. (جانشین فرمانده کلّ قوا)

سرلشکر محسن رضائی در این باره این چنین می‌گوید: «یک رویکرد جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم بوده و رویکرد دوم جنگ جنگ تا اولین پیروزی است. ما به این نتیجه رسیدیم که استراتژی دوم را آن قدر تکرار کنیم که استراتژی اول در بلندمدت به دست آید. در واقع از طریق پیروزی‌های پی در پی که به دست می‌آوریم بتوانیم استراتژی اول را به مسئولین کشور تحمیل کنیم و آنها را وادار کنیم که پشت سر ما حرکت کنند.» (فرمانده سپاه در دفاع مقدّس)

بررسی اظهارات امام خمینی<sup>(ره)</sup> در این باره نیز مؤید عدم وجود تقابل راهبردی میان دو راهبرد گفته شده است. در ادامه با استناد به بیانات ایشان از صحیفه امام این موضوع را بررسی کرده‌ایم:

امام خمینی در نفی منطق کشورگشایی و جهاد ابتدایی تصریح می‌کند: «تمام کشورهای اسلامی بدانند که ایران ابداً نظری به کشورهای آنها ندارد. ایران برای جمعیت خودش همه چیز دارد و این طور نیست که یک کشور سرکش باشد که بخواهد همه چیز را تحت سلطه خود بیاورد. ایران برای خدا قیام کرده است و برای خدا ادامه می‌دهد و جز دفاع، جنگ ابتدایی با هیچ کس نخواهد کرد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۹۳)

ایشان در شرایطی که صدام مدعی بخش‌هایی از خاک ایران است؛ دفاعی بودن اجازه ورود به خاک عراق و تضمین عقب‌نشینی نیروهای نظامی ایران و به رسمیت شناختن تمامیت ارضی عراق را این گونه توضیح می‌دهند: «در همان مقداری که وارد خاک عراق شده‌ایم برای دفاع از اسلام و دفاع از مملکت اسلامی.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۱۵) «وارد شدن ما در عراق نه برای این بوده است که ما عراق را می‌خواهیم تصاحب کنیم یا بصره را. ما وطنمان بصره و شام نیست، ما وطنمان اسلام است. ما تابع احکام اسلام هستیم. اسلام به ما اجازه نمی‌دهد که یک کشور مسلمی را ما تحت سلطه قرار بدهیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۹۲)

«ما به هیچ کشوری طمع نداریم و به هیچ کشوری حقی نداریم. و خدای تبارک و تعالی به ما اجازه نداده است که در هیچ کشوری دخالت بکنیم، مگر آنکه مثل دفاع باشد که امروز ما با این دولت فاسد عراق در حال دفاع هستیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۹۳) «اینهایی که گمان می‌کنند که اسلام نگفته است «جنگ جنگ تا پیروزی»، اگر مقصودشان این است که در قرآن این عبارت نیست، درست می‌گویند، و اگر مقصودشان این است که بالاتر از این با زبان خدا نیست، اشتباه می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»، همه بشر را دعوت می‌کند به مقاتله برای رفع فتنه؛ یعنی «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم»، این غیر از آنی است که ما می‌گوییم، ما یک جزء کوچکش را گرفته‌ایم، برای اینکه خوب! ما یک دایره خیلی کوچکی از این دایره عظیم واقع هستیم و می‌گوییم که: «جنگ تا پیروزی.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۲)

**تشریح «زیر قضیه ۲-۲»:** محدودیت‌های اقتصادی و به تبع آن محدودیت‌های تجهیزاتی بر انتخاب گزینه‌های تصمیم‌اثرگذار بوده است.

در این زمینه شاهد اظهار نظرهای متعدد از سوی خبرگان بودیم که در اینجا فقط به عنوان نمونه به دو مورد از آنها اشاره می‌شود: «باید گفت به صورت کلی (و نه بر یک عملیات به طور خاص)، بر تمامی عملیاتها عوامل اقتصادی اثرگذار بود. مثلاً برای انجام عملیات خیبر یا والفجر ۸ به قایق احتیاج داشتیم. برای تأمین این قایق‌ها نه زیرساخت اقتصادی داخلی کشور جوابگو بود که آنها را تولید کنیم و نه می‌توانستیم بخریم چراکه نه به ما می‌فروختند و نه پولش را داشتیم. لذا عامل اقتصادی از روز اول تأثیرش را گذاشت و روز به روز تا انتهای جنگ، تأثیرش عمیق‌تر و گسترده‌تر شد. تا جایی که به نظر من یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث خاتمه جنگ با پذیرش قطعنامه شد، محدودیت‌های اقتصادی بود.» (جانشین پژوهشگاه دفاع مقدس)

«دشمن این طراح‌ی را کرد که اول فروش نفت ایران را مخدوش کند و نگذارد صادر شود و اگر هم صادر می‌شود قیمت آن را پایین بیاورد که نفت شد ۶ دلار. از طریق تحریم‌ها همه چیز را تحریم کردند و مجبور بودیم از بازار سیاه دست دوم و معیوب با قیمت بالا را بخریم.» (پژوهشگر و مولف دفاع مقدس)

تشریح «زیرقضیه ۲-۳»: واقعیت قدرت، امکانات گسترده و حمایت مطلق ابرقدرتها از عراق بر انتخاب گزینه‌های تصمیم‌دفاع مقدّس در ایران تأثیرگذار بوده است.

یکی از واقعیت‌های غیرقابل انکار میدان نبرد در دوران دفاع مقدّس مواجهه ایران با کشوری سرشار از امکانات نظامی و برخوردار از حمایت مطلق ابرقدرت‌ها بوده است. عدم در نظر گرفتن این واقعیت در برخی مقاطع تصمیم‌گیری منجر به بروز ناکامی‌هایی (مانند عدم موفقیت در عملیات رمضان) شده است.

«کارخانه‌های تانک سازی بلوک شرق یک تانک در انبار خود داشتند، یک تانک در انبار مرکزی عراق و یک تانک در انبار یگان داشتند. به محض اینکه یک تانک در یگان منهدم می‌شد، تانک انبار مرکزی جایگزین آن می‌شد و جایش یک تانک از انبار آن کشورها به انبار مرکزی منتقل می‌شد و بلافاصله جایش پر می‌شد. صدام در اواخر جنگ حدوداً ۶۰ لشکر داشت که بیشتر آنها لشکر زرهی بودند و یک سیستم ترابری داشت که می‌توانست در عرض حدود ۲۴ ساعت بخش عمده ارتشش را از شمال به جنوب یا بالعکس منتقل کند که ما هیچکدام را نداشتیم.» (جانشین پژوهشگاه دفاع مقدّس)

افزون بر برخورداری عراق از ادوات نظامی گسترده و در عین حال پیشرفته، امکان به‌کارگیری صدام از سلاح‌های غیرمتعارف مانند بمب‌های شیمیایی در کلان‌شهرهای ایران از جمله عوامل بسیار کلیدی در اخذ تصمیم حاکمیتی به‌ویژه در مقطع پایانی جنگ بوده است. آیت‌... هاشمی رفسنجانی در این باره چنین می‌گوید: «... شما منظره‌ای را در نظر بگیرید که مثلاً عراق بیاید تبریز را مثل حلبچه بمباران شیمیایی بکند، چه فاجعه‌ای اتفاق می‌افتاد در کشور؟! اگر همین قضیه در تبریز، کرمانشاه یا ارومیه اتفاق می‌افتاد، برای کسی قابل تحمل بود؟ ممکن بود ده‌ها هزار نفر درجا شهید بشوند.» (جانشین فرمانده کل قوا) همچنین مسعود روغنی زنجانی رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه در این باره چنین می‌گوید: «از سپاه هم نامه گرفته بودند، آقای محسن رضایی گفت ما اطلاعات داریم که طرف مقابل ما بمب اتم ساخته و ما دیگر نمی‌توانیم! یعنی اصلاً حرف ما (دولت) را کنار بگذارند، اگر همین یک کلمه ایشان

را گرفته بودند، جنگ تمام شده بود. اصلاً احتیاج نبود از ما تجزیه تحلیل اقتصادی بگیرند. بمب اتم در دست صدام دیوانه بی عقل آنارشیست که اصلاً پایبند هیچ اصول انسانی نبود.» (مطالعه موردی قطعنامه ۵۹۸)

افزون بر این ورود مستقیم آمریکا به جنگ با ایران به ویژه در خلیج فارس از جمله واقعیت‌های دیگر غیرقابل انکار و مؤثر بر اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس بوده است. «در عین حال برای اینکه مطمئن شوند ایران بیش از این پیش نخواهد رفت درکنار این امتیازات با ما برخورد هم کردند که حضور ناوهای آمریکا در خلیج فارس و زدن سکوهای نفتی از جمله این برخوردها بود.» (فرمانده سپاه در دفاع مقدس)

**تشریح «زیرقضیه ۲-۴»:** محدودیت استقبال مردمی از حضور مستمر و متوازن طی ۸ سال دفاع مقدس بر انتخاب گزینه‌های تصمیم‌اثرگذار بوده است.

اشاره به سه مورد از اظهارنظرهای خبرگان در تشریح زیرقضیه گفته شده گویاست: «این لیست محدودیت‌های آقای رضایی در اواخر جنگ یک واقعیت است. ما نمی‌توانستیم، پول نداشتیم و اگر هم داشتیم به ما نمی‌فروختند. امام دیگر زبانش مو درآورد، چقدر فراخوان عمومی جبهه دادیم و با استقبال مواجه نشد. البته این تا حدی به دلیل طبع انسان است. معمولاً وقتی یک موضوعی برای انسان فرسایشی و تکراری شد، دیگر استقبال از آن مشابه اول نیست و روند نزولی می‌یابد. آن استقبال اولیه برای یک مقطعی بود.» (جانشین پژوهشگاه دفاع مقدس)

«استقبال مردم از فراخوان‌های حضور در جبهه‌ها بیشتر یک موضوع تاکتیکی بود که تا پیروزی پیش می‌آمد استقبال می‌کردند و حضور پرشور داشتند و تا شکستی می‌شد حضورها کم‌رنگ‌تر می‌شد.» (فرمانده سپاه در دفاع مقدس) در اسناد مربوط به پذیرش قطعنامه نیز چنین آمده است: «مثلاً امام متذکر شده بودند که مسئولین تبلیغات می‌گویند مردم خسته شده‌اند.» (مطالعه موردی قطعنامه ۵۹۸)

«قضیه ۳»: بروز برخی دوگانگی‌ها در کنش بازیگران حاکمیتی روند تصمیم‌گیری

حاکمیتی دفاع مقدس را تحت تأثیر قرار داده است.

منظور از دوگانگی در کنش بازیگران حاکمیتی، سه دسته دوگانگی است که در ادامه در قالب سه زیرقضیه تبیین خواهد شد. افزون بر این بازیگران حاکمیتی در این زیرقضایا به دو دسته بازیگران سیاسی و بازیگران نظامی که البته هر دو طیف در سطح حاکمیتی (کلان) تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند، تفکیک شده‌اند.

**تشریح «زیرقضیه ۳-۱»:** بروز برخی دوگانگی‌ها در کنش سیاسیون روند تصمیم‌گیری

حاکمیتی دفاع مقدس را تحت تأثیر قرار داده است.

توجه به نقل قول‌های زیر از مصاحبه شونده‌گان بیانگر آن است که در برخی مقاطع تصمیم‌گیری دوگانگی‌هایی در سطح بازیگران سیاسی کلیدی وجود داشته که البته برخی از آنها همچنان نیز به عنوان نقاط مبهم تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدس باقی است. این دوگانگی درباره رفتار سیاسیون (سطح دولت) از منظر خبرگان چنین تشریح شده است: «اتاقی پشت در محل برگزاری جلسات هیئت دولت بود که وزرا برای تماس با دفتر و منازل‌شان یا رفع خستگی و کشیدن سیگار و نوشیدن چای به آنجا می‌رفتند. وزرا نظرات واقعی‌شان را در آن اتاق با صراحت می‌گفتند و مخالف ادامه جنگ بودند. اما ده متر آن طرف‌تر در اتاق جلسات هیئت دولت ماجرا رنگ‌وبویی دیگر داشت و از ضرورت تداوم جنگ سخن می‌گفتند.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

«البته در داخل خود سیاسیون هم یک دوگانگی وجود دارد. مهندس موسوی معتقد است که آقای هاشمی تلاش می‌کرده که او را معجب کند که نمی‌شود جنگید. درحالی‌که آقای هاشمی به دو نامه‌ای که یکی از طرف دولت و مهندس موسوی و دیگری از طرف سپاه و آقای رضایی به امام نوشته شده استناد می‌کند. با تحقیقاتی که من کردم اینطور به نظر می‌رسد که آقای موسوی در جریان نامه بوده‌اند و ایشان بلدش نمی‌آمده که روغنی زنجانی نقطه اتصال باشد به آقای هاشمی و این مشکل کمبودهای اقتصادی کشور از زبان او به هاشمی و بعد به امام منتقل شود.» (پژوهشگر و مؤلف دفاع مقدس)



**تشریح «زیر قضیه ۳-۲»:** بروز برخی دوگانگی‌ها در کنش نظامیون روند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس را تحت تأثیر قرار داده است.

یکی از دوگانگی‌های بیان‌شده در عنوان زیرقضیه، بروز اختلاف میان ارتش و سپاه به ویژه پس از شکست در عملیات رمضان بوده است. یکی از خبرگان در این باره می‌گوید: «سپاه شهید صیّاد را از خود می‌دانست و ایشان نیز نسبت به سپاه علاقه داشت و همین مسئله در شکل‌گیری این اتحاد و همدلی بسیار مؤثر بود و همین اتحاد عامل اصلی پیروزی‌های اعجاب‌آور در سال دوم جنگ بود که در عرض ۸ ماه ۴ عملیات بزرگ با فاصله نزدیک به هم انجام و بیش از ۱۰ هزار کیلومتر از اراضی اشغال شده آزاد شد.» (جانشین پژوهشگاه دفاع مقدّس) اما این روند پایدار نبود. سه تن از خبرگان در این باره این چنین اظهار نظر کرده‌اند: «دوره بعد از بنی‌صدر دوره شکل‌گیری قرارگاه کربلا است. آقای رضایی از سپاه و آقای صیّاد از ارتش می‌آید و هماهنگی‌ها از پایین شروع می‌شود به بالا می‌رود نه بالعکس. این دوره پس از عدم دستیابی عملیات رمضان به اهداف عملیاتی مورد نظر وارد مرحله جدیدی می‌شود. شهید صیّاد در همین مقطع نظر وحدت فرماندهی را به شورای عالی ارائه داد که سپاه زیرمجموعه ارتش عمل کند.» (پژوهشگر و مولف دفاع مقدّس) «البته این اختلافات را فقط افرادی که در سطوح بالا حضور داشتند متوجه می‌شدند و به هیچ وجه به سطوح پایین و عملیاتی نمی‌رسید. (اسناد مکتوب دفاع مقدّس)» (در پایان دوره دوم اختلافات به جایی رسید که سپاه از ارتش درخواست تجهیزات (نفرات و ادوات نظامی) می‌کرد ولی ارتش اقدامی انجام نمی‌داد یا بالعکس و همین مسئله سبب شکل‌گیری دوره دیگری در فرماندهی جنگ شد.» (جانشین معاونت اطلاعات ارتش)

**تشریح «زیر قضیه ۳-۳»:** دوگانگی جنگ عاشورایی - جنگ کلاسیک اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس به ویژه در مقطع پایانی جنگ را تحت تأثیر قرار داده است.

نکته دارای اهمیت دیگر در درک ماهیت تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس به ویژه در دوران پایانی جنگ، دوگانگی در تحلیل کنشگران درباره ادامه جنگ است. دوگانگی به این معنا که از یک سو و در ظاهر به فرماندهی کلّ قوا تمایل خود برای ادامه جنگ تا سال‌ها بعد

را منتقل می‌کنند و از سوی دیگر نامه‌هایی (هم طرف دولت و هم از طرف سپاه) به امام مبنی بر عدم امکان ادامه جنگ با امکانات محدود فعلی ارسال می‌نمایند. در اسناد مربوط به پذیرش قطعنامه چنین آمده است: «در اواخر سال ۱۳۶۶، دولت نامه‌ای به امام می‌نویسد مبنی بر اینکه ما توانایی ادامه جنگ حتی تا ۲۰ سال دیگر را هم داریم. سپاه نیز به شکل مشابهی ادعا می‌کند که می‌تواند تا نزدیک بغداد پیشروی نماید. تقریباً ۵ یا ۶ ماه بعد از این نامه‌ای نوشته می‌شود که برای ادامه جنگ امکانات نداریم و طی نامه لیست تجهیزات و امکانات حداقلی موردنیاز جهت ادامه جنگ ارائه می‌شود.» (مطالعه موردی قطعنامه ۵۹۸)

همچنین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این باره چنین می‌گوید: «آقای رضایی آخر نوشته بود شما باید مثلاً ۳۰۰ تا تانک به ما بدهید، ۳ هزار تا چیز بدهید، چقدر توپخانه بدهید، چقدر هواپیما بدهید. اصلاً کشوری که یک هواپیما هم نمی‌توانست بخرد، این حرفها که خیال است.» (جانشین فرمانده کل قوا)

یکی دیگر از خبرگان چنین اظهار داشته است: «بخش دیگر طرح این بود که اگر نیرو و امکانات افزایش پیدا کند و خواسته سپاه تأمین شود سپاه می‌تواند حمله اول را در جبهه جنوب با ۵۰۰ گردان (بیش از سه برابر مواقع دیگر) طراحی کند و ظرف ۶ ماه بصره را تصرف کند. بعد از آن می‌تواند و کرکوک را بگیرد و حتی اگر مسئولین بخواهند می‌توانند با تأمین نیرو زمینه تصرف بغداد را هم فراهم کنند. آن‌چنان که در طرح آمده است در حالت معمولی حدود صد هزار نیرو برای جبهه تدارک می‌شد و شرط اینکه این اهداف تا سقوط صدام و فتح بغداد ادامه پیدا کند این بود که یک میلیون نفر طی ۱۲ الی ۱۵ ماه بسیج شود.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

**تشریح «قضیه ۴»:** ایفای نقش بازیگران حاکمیتی دفاع مقدّس بعضاً دارای ابهام و هم‌پوشانی بوده است.

منظور از قضیه بیان شده در بالا آن است که تقسیم وظایف مشخص و شفاف دربارۀ چگونگی اداره جنگ میان قوای سه‌گانه، شورای عالی دفاع و قرارگاه خاتم وجود نداشته

است، به گونه‌ای که در برخی وقت‌ها شاهد پراکندگی مراجع تصمیم‌گیری حاکمیتی درباره آن هستیم. قضیه بالا از طریق سه زیرقضیه مستقل از یکدیگر تبیین و تشریح خواهد شد.

**تشریح «زیرقضیه ۴-۱»:** تقسیم وظایف مشخصی درباره چگونگی ایفای نقش قوای سه‌گانه در اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس مشاهده نمی‌شود.

دولت (قوه مجریه) در مقطع ابتدایی جنگ به دلیل اعطای اختیارات فرماندهی کلّ قوا به رئیس‌جمهور از قدرت حداکثری در اداره جنگ برخوردار بوده است. این نقش در دوره دوم جنگ و پس از عزل بنی‌صدر کمرنگ و محدود به ایفای نقش پشتیبانی شده و دوباره در سال ۱۳۶۶ با در اختیار گرفتن ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء اوج می‌گیرد. بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان افزایش اختیارات دولت در دوره پایانی جنگ مطابق با نظر سپاه پاسداران صورت گرفته است. یکی از خبرگان در این باره چنین گفته است: «من سال ۶۶ این زمزمه را از سپاه شنیدم که مثلاً ستاد باید عوض بشود تا جنگ درست شود، من احساس کردم شاید آقای هاشمی رویش نمی‌شود با من مطرح کند من به آقای هاشمی گفتم یک همچون بحثی مطرح است گفت بله؛ نظر شما چیست؟ گفتم حتما شما قبول کنید شک نکنید و حتما آن چیزی که سپاه پیشنهاد می‌کند، شما عمل کنید، گفتم برای اینکه اگر بعد از اینکه حالا که سپاه اصرار دارد هر عملیاتی بکنیم شکست بخوریم، می‌گویند تقصیر شماست که حرف ما را گوش نکردید و اگر دولت آمده بود، ما پیروز شده بودیم.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

از سوی دیگر در مورد قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی شاهد نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در جریان تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس نیستیم. ایفای نقش مجلس محدود به کارکرد مجمع عقلا و نیز بحث‌ها و تصمیمات کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی (رئیس کمیسیون به‌عنوان یکی از اعضای شورای عالی دفاع) بوده است. حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی درباره مجمع عقلا می‌گوید:

«جلسات مجمع عقلا به هیچ وجه جناحی نبود. یعنی از هر دو جناح حضور داشتند از یک طرف آیت‌الله یزدی، آیت‌الله موحّدی کرمانی، آقای انواری بودند و از طرف دیگر هم آقای کروبی، آقای فاضل‌هرندی و آقای بیات بودند؛ یعنی جلسات اصلاً

جناحی نبود؛ حدود ۳۰ نفر بودیم؛ آن جلسه در سال ۶۴ تا تقریباً مهرماه ۶۵ ادامه پیدا کرد یکی از بحث‌های آن جلسه این بود که استراتژی جنگ چیست و می‌خواهیم چه کار کنیم، حداقل ۳۰ جلسه داشتیم ... به هر حال آقای رضایی یک نامه‌ای به امام نوشت که اینها دنبال صلح هستند و آقای هاشمی که رفته بود خدمت امام، به ایشان گفته بود که این چیست که به من نوشته‌اند؟ شنیدم فلانی هم هست، چون امام می‌دانست من مسئولیت جنگی دارم آقای هاشمی گفت نه این طور نیست من خبر دارم جلسه با اطلاع من است. البته آقای هاشمی به بنده گفت بله نتیجه‌ای که شما رسیدید، با نظر ما یکی است و این عین تعبیر ایشان بود.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

آنچه در مورد نقش قوه قضائیه در فرآیند تصمیم‌گیری انتظار می‌رود توجه به بازرسی‌ها و ایفای کارکردهای نظارتی لازم بر نهادها و بازیگران کلیدی تصمیم‌گیر است، اما هیچ‌گونه داده‌ای دال بر حضور نقش قابل توجه توسط مجموعه قوه قضائیه در فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس به دست نیامد. البته ریاست قوه از طریق جلسات مشورتی سران قوا، موضوعات راهبردی را تحلیل و مشورت‌های لازم را به فرماندهی کلّ قوا ارائه می‌دادند اما منظور از ایفای نقش قوه قضائیه در قضیه حاضر کارکرد نظام‌مند (سیستمی) و اثرگذار است.

**تشریح «زیرقضیه ۴-۲»:** ایفای نقش شورای عالی دفاع در اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس دارای افت و خیز است.

نقش شورای عالی دفاع در طول مقاطع زمانی دفاع مقدّس یکسان نبوده و دارای نوسان است، به‌گونه‌ای که نقش این شورا در دوره اول به دلیل کارشکنی‌های بنی‌صدر محدود، در دوره دوم گسترده و مؤثر و در دوره سوم یعنی پس از شکل‌گیری قرارگاه خاتم‌الانبیاء دوباره محدود و منفعلانه (بیشتر به‌عنوان مرجع تأییدکننده تصمیم‌ها) است. از آنجا که شورای عالی دفاع به‌عنوان مرکز تجمع قوای سه‌گانه به‌شمار می‌رود، بنابراین انتظار نقش فعال از این شورا انتظاری بی‌مورد نیست. یکی از دلایل محدودشدن نقش شورا در دوره سوم، حاکمیت قرارگاه خاتم در اخذ تصمیم‌های حاکمیتی و البته عدم تعریف ارتباط

شفاف میان عملکرد شورای عالی دفاع و قرارگاه خاتم است. یکی از خبرگان در این باره چنین گفته است:

«در مقطع ابتدایی جنگ اصلاً قرارگاه خاتم موضوعیت نداشت ولی شورای عالی دفاع نقش مهمی ایفا می کرد. وقتی قرارگاه خاتم شکل گرفت و فعال شد، عملاً دیگر شورای عالی دفاع نقش خاصی نداشت. قرارگاه خاتم تبدیل به محور اصلی اداره جنگ در صحنه نظامی شد. می توان گفت شورا در مقطع ابتدایی جنگ ایفای نقش کرد که البته آن هم با کارشکنی های بنی صدر (با حضور حضرت آقا و شهید چمران مخالفت می کرد، جلسه تشکیل نمی داد، مصوبات جلسه را پیگیری نمی کرد) با مشکلات زیادی مواجه شد. البته این شورا منحل نشد ولی پس از فعال شدن قرارگاه خاتم دیگر به صورت مؤثر ایفای نقش نمی کرد.» (جانشین پژوهشگاه دفاع مقدس)

**تشریح «زیرقضیه ۴-۳»:** مراجع اصلی تصمیم گیری حاکمیتی دفاع مقدس متعلاً، پراکنده و فاقد تمرکز راهبردی بوده است.

بهترین تبیین درباره پراکندگی مراجع تصمیم گیری در دفاع مقدس را مقام معظم رهبری (رئیس جمهور وقت در سال ۱۳۶۷) داشته اند. ایشان در جمع فرماندهان نظامی دفاع مقدس در پادگان گلف در روزهای پایانی جنگ چنین اظهار داشته اند: «شما می گویند طراحی جنگ را چرا نکردید؟ طراحی جنگ را کی باید بکنند؟ سپاه؟ قرارگاه خاتم؟ شورای عالی دفاع؟ کمیسیون دفاع مجلس؟ همه مدعی اند؛ آنی که توی این قضیه کمترین نقش را دارد، شورای عالی دفاع است که من حالا راجع به آن خواهم گفت. من می گویم این با تشکیل فردی (به عنوان) جانشین فرمانده کل و ستاد فرماندهی کل باید حل بشود. شما تمرکزتان را از آن مرکز می گیرید؛ دیگر مرکزش معلوم شد. ما تا قبل از جانشینی فرمانده کل قوا نداشتیم این را، آن کسی که مسأله جانشینی فرمانده کل قوا را مطرح کرد و ایده این را مطرح کرد، بنده بودم. علتش هم همین بود. فقط من دیدم خب همه کارهای مربوط به جنگ به سه، چهار مرکز ارتباط پیدا می کند؛ گفتیم اقلماً یک مرکز پیدا کند.» (اسناد مکتوب دفاع مقدس)

«قضیه ۵»: حلقه مفقوده وجود ستاد متخصص، متمرکز و پشتیبان اخذ تصمیم‌های

حاکمیتی در دفاع مقدّس مشهود است.

یکی از موضوعاتی که به صورت مکرر توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شده است، عدم وجود یک ستاد تخصصی به صورت مستمر در جریان تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس بوده است. این قضیه از طریق دو زیرقضیه خود تبیین خواهد شد. افزون‌بر این در ادامه اظهارنظرهای یکی از خبرگان در این باره آمده است: «... اما متأسفانه به جای آنکه راهبرد به صورت بالا به پایین اجرا شود و از ستاد تخصصی ناشی شود، هر جا اطلاعات فراهم می‌شد و شناسایی‌ها جواب می‌داد به صورت پایین به بالا عملیاتی صورت می‌گرفت (مانند عملیات والفجر مقدماتی) هر چند که انجام این عملیات‌ها تناسب چندانی با راهبرد نداشته باشد.» (جانشین معاونت اطلاعات ارتش)

**تشریح «زیرقضیه ۵-۱»:** فقدان ستاد تخصصی مشرف بر ستادهای سپاه و ارتش در

اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس مشهود است.

سؤالی که نویسنده کتاب «سیری در جنگ ایران و عراق» (۱۳۷۸) مطرح می‌کند عبارت است از اینکه چرا در فاصله عزل بنی‌صدر به علت عدم کفایت سیاسی (خرداد ماه ۱۳۶۰) و آغاز عملیات ثامن‌الائمه در پنجم مهرماه ۱۳۶۰، نسبت به اصلاح برنامه‌ریزی‌های دفاعی اقدام سریع صورت نگرفت و جای خالی سپاه در جبهه‌ها به گونه‌ای مؤثر اصلاح نشد. درحالی که این امر مورد توجه حضرت امام بود و خود ایشان به نقل از یادداشت‌های شهید حسن باقری در شورای عالی دفاع تأکید کرده بودند: «... چرا حمله نمی‌کنید. بنی‌صدر هم همیشه امروز و فردا می‌کرد و می‌گفت یک ماه دیگر طراح‌ی داریم ... اگر نمی‌خواهید بکنید بگویید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم.» (درودیان، ۱۳۸۷: ۵۱) تأمل در پاسخ به این سوال کلیدی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در طول مقاطع مختلف دفاع مقدّس (و از جمله مقطع تاریخی مورد نظر نویسندگان) یک ستاد تخصصی که مشرف بر سپاه و ارتش و بالاتر از آنها باشد وجود نداشته است. دلیل اهمیت این اشراف آن است که مرجع بیطرف و در عین حال برخوردار از قدرت و

اختیارات کافی باید وجود داشته باشد تا طرح‌ها و ایده‌های نظامی سپاه و ارتش را بررسی کرده و در مورد آنها اظهار نظر کارشناسی نماید.

اگر چه شکل‌گیری قرارگاه خاتم‌الانبیاء تلاشی در جهت پر کردن این خلأ بوده، اما گویی بیشتر جنبه هماهنگ‌کنندگی نیروهای مسلح را داشته و به دلایل متعدد کارکرد کارشناسی بالادستی بر طرح‌های سپاه و ارتش را ایفا نکرده است: «مسئولین به این نتیجه رسیدند که سپاه و ارتش باقی بماند اما سوال دیگر درباره نحوه اداره ارتش و سپاه بود؟ آیا مثل بنی صدر که صرفاً از چند مشاور استفاده می‌کرد عمل کنیم یا از ستادی استفاده کنیم که ارتش و سپاه پذیرای آن ستاد باشد؟ چرا که اگر ستاد مشترک ارتش یا سپاه، هر کدام را می‌آوردند دیگری آن ستاد را قبول نمی‌کرد. نهایتاً تصمیم بر تشکیل ستادی مافوق ارتش و سپاه شد.» (اسناد مکتوب دفاع مقدس)

امیر موسوی قویدل به عنوان اولین رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء شکل‌گیری ستاد و ضرورت آن این چنین اظهار نظر کرده‌اند: «ایشان (مقام معظم رهبری) بنده را به عنوان رئیس ستاد و آقای رحیم صفوی را به عنوان جانشین ستاد منصوب کردند. فرماندهان ارتش و سپاه (آقا محسن و شهید صیاد) در این ستاد نبودند بلکه نمایندگانی از طرف آنها حضور داشتند، به عنوان مثال آقای شمخانی نماینده سپاه در ستاد بود. دلیل عدم حضور فرماندهان نیز مشخص بود، جلوگیری از هرگونه بروز انحراف در مسیر بررسی‌های تخصصی و کارشناسی ستاد.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

**تشریح «زیرقضیه ۵-۲»:** فقدان ستاد تخصصی برخوردار از تخصص‌ها استناد دارد در اخذ تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدس مشهود است.

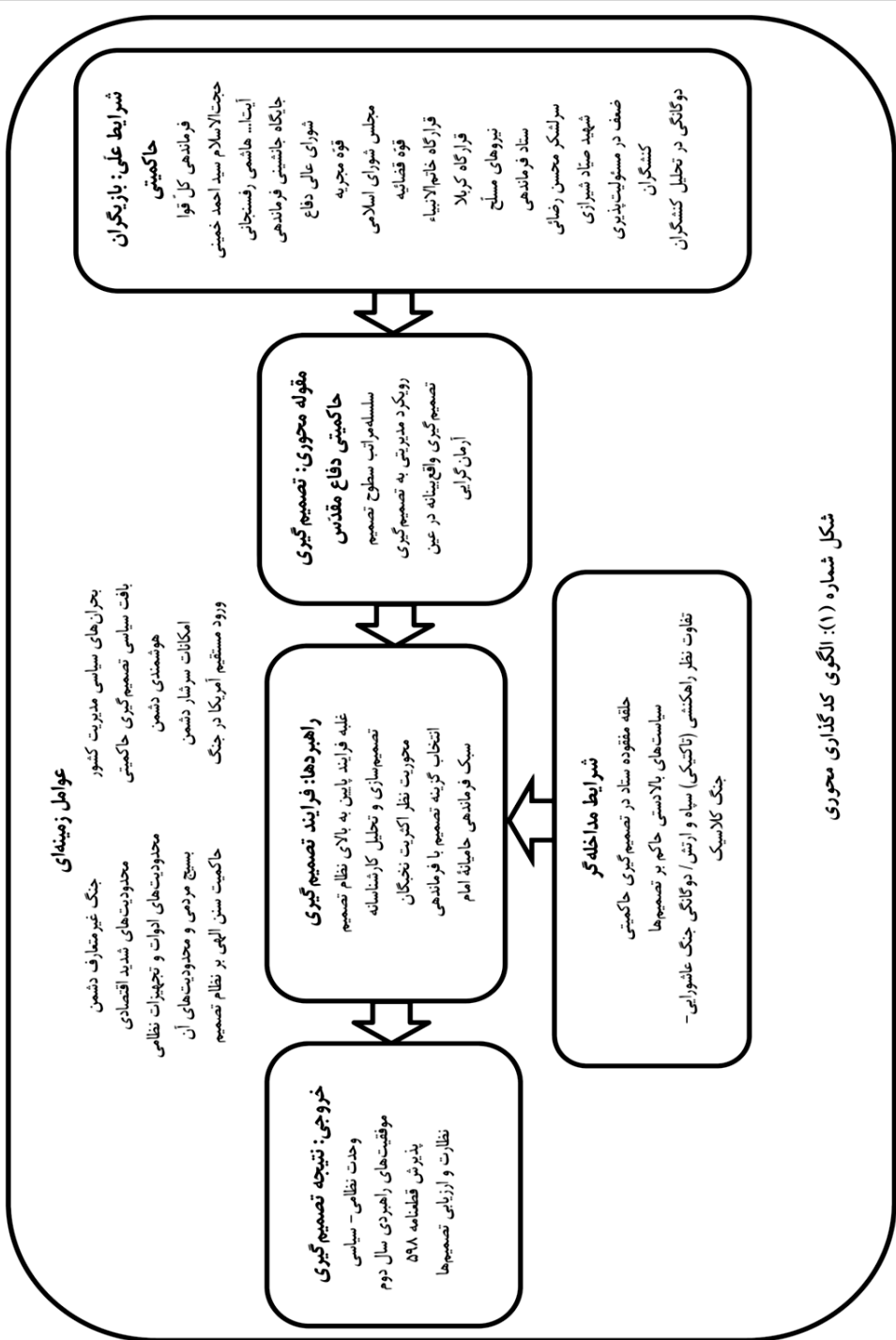
«ترکیب تخصص‌های موردنیاز در ستاد مشخص است. به عنوان مثال افسر عملیات و افسر اطلاعات از مهم‌ترین ارکان یک ستاد تخصصی هستند که هر کدام وظایف تعریف شده خودشان را دارند. البته تخصص‌های دیگری نیز هست اما ترکیب تخصص‌ها مشخص است.» (جانشین معاونت اطلاعات ارتش)

امیر موسوی قویدل درباره تغییر ماهیت و به تبع آن تغییر کارکرد تخصصی و کارشناسی ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء از بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲ تا انتهای جنگ چنین گفته‌اند: «پس از حضور آیت‌... هاشمی رفسنجانی در قرارگاه خاتم، مدتی تشکیل جلسات ستاد به تأخیر افتاد. من خدمت آقای هاشمی رسیدم و گفتم که افرادی که در ستاد حضور دارند همگی از پست‌های کلیدی سپاه یا ارتش هستند و کارهای مهمی دارند. ایشان گفتند اعضاء را همگی بفرستید بر سر کارهای اصلی‌شان در سپاه یا ارتش. ما در زمان‌های ضروری و برای تشکیل جلسات از آنها دعوت می‌کنیم. پس از مدتی نیز رویه کمی تغییر کرد. آقای هاشمی هم‌زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده داشتند و بیشتر جلسات را بدون حضور ما در مجلس تشکیل می‌دادند، زمانی هم که به منطقه می‌آمدند فرماندهان را جمع می‌کردند و مشورت می‌گرفتند. آن زمان اکثر جلسات در مجلس بود و به ندرت در منطقه می‌آمدند.» (رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء)

#### ۴. الگوی کدگذاری محوری

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، تعریف الگو در تحقیق حاضر متأثر از روش داده‌بنیاد و متناظر با الگوی پارادایمیک به‌دست آمده در مرحله کدگذاری محوری داده‌هاست که در شکل شماره (۱) آمده است:





شکل شماره (۱): الگوی کدگذاری محوری

## ۵. نتیجه‌گیری

### ۵-۱. جمع‌بندی

پژوهش حاضر با هدف تبیین فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی دفاع مقدّس و در راستای پرکردن خلأ پژوهشی ابهام در چگونگی اتخاذ تصمیم‌های حاکمیتی این عرصه و نیز ابهام در ایفای نقش بازیگران کلیدی آن صورت گرفت. نتایج تحقیق از طریق مصاحبه با بازیگران حاکمیتی دفاع مقدّس (بیشتر اعضای قرارگاه خاتم‌الانبیاء در دوران دفاع مقدّس) و نیز انجام مطالعه مجزاً درباره روند اخذ تصمیم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نیز سایر اسناد مکتوب؛ منجر به شکل‌گیری ۹۹۶ نکته کلیدی در قالب ۱۴۲ مفهوم و نیز ۴۳ مقوله انتزاعی گردید. الگوی مورد نظر این تحقیق در قالب پارادایم کدگذاری محوری ارائه گردید. البته تشریح مفاد الگو از طریق ساخت و تشریح قضایای نظری (در قالب ۵ قضیه و ۱۲ زیرقضیه نظری) در مرحله کدگذاری انتخابی صورت گرفت. در مجموع می‌توان گفت مقوله‌ها و قضایای نظری به‌دست آمده در جریان کدگذاری داده‌ها در راستای مشخص شدن سه موضوع «عوامل موثر بر تصمیم‌ها»، «بازیگران کلیدی تصمیم‌گیری» و «فرایند اخذ تصمیم‌های» حاکمیتی دفاع مقدّس تجزیه و تحلیل شدند.

### ۵-۲. پیشنهادها

بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر در راستای بهبود تصمیم‌های حاکمیتی دفاع مقدّس (در صورت وقوع جنگ احتمالی در آینده) ارائه می‌شود:

- (۱) حذف الگوی جانشینی فرماندهی کلّ قوا در راستای تمرکز در مرجع اصلی تصمیم‌گیری در شرایط جنگ احتمالی آینده.
- (۲) حضور فرماندهی کلّ قوا در جلسه‌های تصمیم‌گیری حاکمیتی جنگ به‌عنوان یک امر راهگشا در وحدت فرماندهی و راهبری تصمیم‌ها در جنگ‌های احتمالی آینده.
- (۳) تعیین دقیق نقش شورای عالی دفاع (شورای عالی امنیت ملی) در فرایند تصمیم‌گیری حاکمیتی در شرایط جنگ و برطرف ساختن موارد هم‌پوشانی اختیارات این شورا با سایر نهادهای اصلی تصمیم‌گیر در جنگ.

- (۴) تعیین دقیق ارتباطات و هم‌پوشانی‌های وظایف ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه خاتم‌الانبیاء در شرایط جنگ و ایجاد یک تقسیم کار تخصصی میان این دو نهاد.
- (۵) ایجاد توازن در قدرت حاکمیتی ارکان عملیاتی نیروهای مسلح در قرارگاه خاتم‌الانبیاء.
- (۶) تعیین دقیق تخصص‌های مورد نیاز برای ستاد تخصصی پشتیبان تصمیم‌گیری در شرایط جنگ.
- (۷) استانداردسازی تخصص‌های موردنیاز در ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء با توجه به ویژگی جنگ‌های نوین به منظور ارائه مشاوره‌های تخصصی به نهادهای اصلی تصمیم‌گیر جنگ.
- (۸) تنظیم و اعتباربخشی اسناد قانونی (آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و ...) موردنیاز در راستای جلوگیری از پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری و ایجاد تقسیم کار شفاف میان کنشگران حاکمیتی تصمیم‌گیر.

\*\*\*\*\*

## فهرست منابع

## الف. منابع فارسی

۱. امام خمینی (ره)، سیدروح‌الله، (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد شانزدهم و نوزدهم.
۲. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سیدعلی، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۳. الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتاح، (۱۳۸۸). *فرآیند خط مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، چاپ هفتم.
۴. خودسیانی، مصطفی، مرادپیری، هادی، خان‌احمدی، اسماعیل، (۱۳۹۱). بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدّس و جنگ آینده از منظر فرماندهان عالی جنگ، *فصلنامه سیاست دفاعی*، دوره ۲۱، شماره ۸۱
۵. درودیان، محمد، (۱۳۸۷). *سیری در جنگ ایران و عراق*، جلد ششم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۶. درودیان، محمد، (۱۳۹۱). *جنگ ایران و عراق، موضوعات و مسائل*، تهران: انتشارات سمت.
۷. رحیمی، حسن، (۱۳۸۱). بررسی نقش رهبری سیاسی در جنگ‌های معاصر ایران، *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، سال هشتم، شماره ۳۱.
۸. صادقی مال‌امیری، منصور، نیکوکار، غلامحسین، علایی، حسین، محمدنژاد، سید مهرعلی، (۱۳۹۳). طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان سپاه در دفاع مقدّس، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال دوم، شماره ۸۷.
۹. قلی‌پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری سازمانی و خط مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. گودرزی، غلامرضا، باقری کئی، مصباح‌الهدی، خیرآبادی، حمید، (۱۳۸۹). طراحی مدل تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان دوران دفاع مقدّس با تأکید بر عملیات‌های موفق سال دوم جنگ تحمیلی، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال دهم، شماره ۴۰.
۱۱. مجموعه نویسندگان، (۱۳۹۳). *محرمانه‌های قطعه‌نامه ۵۹۸، ماهنامه رمز عبور*، سال اول، شماره چهارم.
۱۲. مدنی، سیدمصطفی، (۱۳۸۷). بررسی عوامل مدیریتی مؤثر بر عملکرد فرماندهان سپاه در دفاع مقدّس، *فصلنامه دانشور رفتار*، سال پانزدهم، شماره ۲۹.
۱۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). *قانون اساسی کشورها (آلمان، آمریکا، روسیه، فرانسه)*، قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir>.
۱۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *مجموعه کتب (به همراه سی دی خاطرات سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷)*، تهران: نشر معارف انقلاب اسلامی.
۱۵. هدی، فرل، (۱۳۸۶). *اداره امور عمومی تطبیقی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمازاده؛ تهران: انتشارات اندیشه‌های گهربار.

## ب. منابع انگلیسی

1. Charmaz, Kathy, (2014). *Constructing grounded theory*, London: Sage publication.
2. Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining Validity in Qualitative Inquiry, *Theory into Practice*, 39 (3).
3. Deleon, P; Overman, E, (2008). *A history of Policy Science*, University of calaroda at Denver.
4. Howlett, Michael, Ramesh, M., Perl, A., (2009). *Studying Public Policy*, Oxford New York University Press, Third Edition.
5. Lykk, Arthur, Definition of Military Strategy, (1989). *Journal of Military Review*, Vol 12 (5).
6. Strauss, A. & Corbin J, (1998). *Basics of qualitative research*, Newbury Park, CT: Sage Publications.

